

انسداد مفهومی دال‌های بنیادین گفتمان انقلاب اسلامی در سپهر اندیشه امام خمینی علیه السلام و آیت‌الله خامنه‌ای^۱

* محمدرضا مولائی

** محمدجواد نوروزی

چکیده

آرمان‌های انقلابی و ارزش‌های حاصل از آموزه‌های دینی، با گذر از مقابله‌جویی‌های ایدئولوژیک جریان‌های معارض در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب و بلوغ‌یافتن در پرتو رهنمودهای امام خمینی علیه السلام، نظام معنایی منسجمی را پدید آورد که از آن به گفتمان انقلاب اسلامی تعبیر می‌شود. در طول سال‌های پس از پیروزی، حد و دامنه مفهومی عناصر تشکیل‌دهنده این گفتمان، با توجه به مرکزیت گفتمانی دال ولایت فقیه، با رهنمودهای حضرت امام و مقام معظم رهبری، تبیین و به‌روزرسانی شده است. این پژوهش در راستای حفظ اصالت مفهومی عناصر برسازنده گفتمان انقلاب اسلامی، با استفاده از نظریه گفتمان لاکلا و موفه، در صدد بازکاوی مفهوم دال‌های ولایت مطلقه فقیه، عدالت اقتصادی، مقابله با نظام سلطه، صیانت از ارزش‌های فرهنگی و حمایت از مسلمانان (امت‌گرایی)، در سپهر اندیشه امام خمینی علیه السلام و آیت‌الله خامنه‌ای برآمده است. نتایج به‌دست آمده، تلویحات مهمی در زمینه انقلابی‌بودن و انقلابی‌ماندن سیاست‌ها و رویکردهای سیاست‌مداران و جریان‌های سیاسی در دوره‌های گذشته و آتی دارد.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، امام خمینی علیه السلام، آیت‌الله خامنه‌ای، گفتمان انقلاب، انسداد مفهومی.

۱. این مقاله مستخرج از رساله مقطع دکتری می‌باشد.

m-molae@uma.ac.ir

** عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه محقق اردبیلی.

** دانشیار گروه علوم سیاسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی و مدرس گروه معارف اسلامی.

mohamadjavadnoroz@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۹/۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۲۸

مقدمه

فرآیند شکل‌گیری انقلاب اسلامی حاکی از وجود گفتمان‌هایی چند، در مبارزه با رژیم پهلوی است. هر کدام از این گفتمان‌ها، در پی به دست گرفتن رهبری جریان انقلاب برای جهت‌دهی آن براساس نظام ایدئولوژیکی خود بود. در این میان غلبه انگیزه‌ها و آرمان‌های اسلامی در متن جامعه و اقبال آحاد مردم به گفتمان امام خمینی علیه السلام، جریان اصلی انقلاب را به سمت وسوی الگوها و معیارهای اسلامی سوق داد. آرمان‌های انقلابی و ارزش‌های حاصل از آموزه‌های دینی پس از پیروزی انقلاب، با گذر از مقابله‌جویی‌های ایدئولوژیک و بلوغ یافتن در پرتو رهنمودهای امام خمینی علیه السلام، نظام معنایی منسجمی را پدید آورد که از آن به گفتمان انقلاب اسلامی تعبیر می‌شود. در طول سال‌های پس از پیروزی، حد و دامنه مفهومی عناصر تشکیل‌دهنده این گفتمان با توجه به مرکزیت گفتمانی دال ولایت فقیه با رهنمودهای حضرت امام و مقام معظم رهبری تبیین و به‌روزرسانی شده است.

در سال‌های اولیه پیروزی، افراد و گروه‌های معتقد به گفتمان انقلاب اسلامی در لزوم پای‌بندی به عناصر تشکیل‌دهنده این گفتمان و اقتضات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ناشی از آن به اجماع رسیده بودند، اما بروز اختلاف نظر در خصوص روش‌های عملیاتی کردن آن، که تحت‌تأثیر عوامل مختلفی مانند نگرش‌های فقهی مضیق و موسع، دل‌بستگی‌های ایدئولوژیک به آموزه‌های برخی مکاتب سیاسی و التقاطی و... شکل گرفته بود، زمینه پیدایش دو جریان عمده سیاسی راست (اصول‌گرا) و چپ (اصلاح‌طلب) را فراهم آورد.

نمای بیرونی گفتمان این دو جریان سیاسی در دهه اول انقلاب، حاکی از پایبندی آنان به الگوی گفتمان انقلاب اسلامی بوده است، اما روند حوادث سیاسی و فرهنگی در طی دهه دوم و دهه‌های بعد، وجود برخی تفاوت‌ها میان مفهوم انسدادیافته در عناصر گفتمانی آنان با مفهوم این عناصر در گفتمان انقلاب اسلامی را نشان داده است. با توجه به اینکه تفاوت‌های یادشده در عملکرد و موضع‌گیری‌های برخی از اعضا و تشکل‌های وابسته به این جریان‌ها، چه در مقاطعی که در ساختار قدرت جمهوری اسلامی حضور داشته‌اند و چه در مواقعی که خارج از این ساختار بوده‌اند، زمینه‌ساز شکل‌گیری برخی رویکردهای متفاوت در موضوع‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به خصوص در عملکرد قوه مجریه و قوه مقننه در برخی دوره‌های تاریخی انقلاب بوده است و تداوم این روند، می‌تواند شبیهاتی را در خصوص گذار نظام جمهوری اسلامی از برخی اصول و آرمان‌های خود ایجاد کرده و زمینه استحاله مفهومی گفتمان انقلاب اسلامی را فراهم آورد.

این پژوهش در راستای تلاش برای حفظ اصالت مفهومی عناصر برساننده گفتمان انقلاب

اسلامی درصدد بازکاوی مفهوم پنج‌عنصر^۱ از عناصر اساسی گفتمان انقلاب اسلامی، با استناد به اندیشه امام‌خمينی و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برآمده است.

پیشینه پژوهش

بررسی موارد نمایه‌شده در پایگاه‌های علمی، حاکی است پژوهش‌های «چیستی ولایت مطلقه فقیه در اندیشه سیاسی امام‌خمينی»، (لکزایی، ۱۳۸۳) «تحلیل گفتمان ولایت فقیه در نظام سیاسی ایران»، (دین‌پرست، ۱۳۸۹) «ولایت مطلقه فقیه در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای»، (اشرفی و علیزاده، ۱۳۹۶) «گفتمان انقلاب اسلامی؛ اصول و ویژگی‌ها»، (منصوری، ۱۳۹۶) «گفتمان‌های حاکم بر دولت‌های پس از انقلاب در جمهوری اسلامی»، (حسین‌زاده، ۱۳۸۶) «عدالت در گفتمان انقلاب اسلامی» (ندایی، ۱۳۸۵) «مبانی و مستندات سیاست استکبارستیزی در دیدگاه امام‌خمينی»، (نادری، ۱۳۹۴) «علل و حوزه‌های استکبارستیزی در گفتمان انقلاب اسلامی»، (طباطبائی و جلالی، ۱۳۹۷) «گفتمان انقلاب اسلامی ایران و الزامات اشاعه ارزش‌های آن در عصر جهانی‌شدن»، (جعفری و همکاران، ۱۳۹۵) «پدافندهای فرهنگی برای مقابله با تهاجم فرهنگی»، (قربی، ۱۳۹۱) «واکاوی مسئله نفوذ فرهنگی در کلام مقام معظم رهبری»، (سبزواری و بقیعی، ۱۳۹۶) «امت‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، (خانی، ۱۳۹۳) «آرمان امنیت امت مسلمان در گفتمان انقلاب اسلامی» (قاسمی، ۱۳۹۸)، در زمینه‌های مرتبط با موضوع این پژوهش انجام شده‌اند، اما روش و رویکرد پژوهش حاضر با پژوهش‌های یادشده متفاوت است.

چارچوب نظری

برای ورود به بحث دال‌های گفتمان انقلاب اسلامی از روش تحلیل گفتمان استفاده شده است. از تحلیل گفتمان برای کشف معانی آشکار و پنهان در جریان‌های گفتمانی استفاده می‌شود. (بشیر، ۱۳۸۵: ۱۴) تحلیل گفتمان به مجموعه‌ای بی‌طرف از ابزارهای روش‌شناسی برای تحلیل کلام‌ها، نوشته‌ها، مصاحبه‌ها و مباحثات اشاره دارد. (مارش و استوکر، ۱۳۹۳: ۱۹۶) واحد مشاهده در این روش، متن است. (ساعی، ۱۳۹۱: ۸۹) در میان نظریه‌های گفتمانی، نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف از کارآیی قابل توجهی برای تبیین گفتمان‌ها برخوردار است. (Zherebkin, 2009: 203) لاکلا و موف معتقدند گفتمان به همه چیز، در چارچوبی از نظام معنایی، مفهومی خاص می‌بخشد،

۱. براساس طرح مصوب، تمرکز پژوهش بر بررسی پنج مولفه از مولفه‌های برسازنده گفتمان انقلاب اسلامی بوده که در صفحات آتی به آنها اشاره شده است.

مفهومی که مختص همان نظام معنایی است. از این رو ممکن است یک فعل، سخن و نماد در دو گفتمان متفاوت، معنای متفاوت و حتی متضاد با یکدیگر داشته باشد. (کسرای و پوزش شیرازی، ۱۳۸۳: ۳۴۲)

لاکلا و موف برای آشنایی با سازمان‌دهی نشانه‌ها در گفتمان‌ها و تجزیه و تحلیل نظام معنایی آنان از مفاهیم متعددی استفاده نموده‌اند. ویژگی این مفاهیم آن است که به صورت زنجیروار با یکدیگر مرتبط هستند، به گونه‌ای که فهم هر مفهوم، ما را به شناخت سایر مفاهیم رهنمون می‌سازد. (خرمشاد و جمالی، ۱۳۹۷: ۳۳) این مفاهیم را می‌توان در مجموعه‌ای شامل عنصر، لحظه، دال شناور، دال برتر، هژمونی، مفصل‌بندی، منطق تفاوت و زنجیره هم‌ارزی، خصومت و دگرسازی، قابلیت اعتبار و قابلیت دست‌یابی و... مطرح نمود. لاکلا و موف معتقدند با چینش این مفاهیم در کنار یکدیگر، (پناهی و امینی، ۱۳۹۲: ۳۲ - ۳۱) فرآیندی شکل می‌گیرد که طی آن، گفتمان به وجود می‌آید.

۱. دال و مدلول، دال شناور و دال برتر (مرکزی)

دال به نشانه‌ها، مفاهیم و نمادهای حقیقی یا انتزاعی گفته می‌شود که در چارچوب هریک از گفتمان‌ها، بر معانی خاصی دلالت می‌کند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌نماید، مدلول، نامیده می‌شود. مدلول نشانه‌ای است که با دیدن آن، مفهوم دال برای مخاطب آشکار می‌شود. (کسرای و پوزش شیرازی، ۱۳۸۳: ۳۴۳) دال شناور، دالی است که مدلول‌های متعدد دارد و گفتمان‌ها بر اساس نظام معنایی خود و متناسب با آن، سعی دارند مدلول خویش را به آن الحاق کنند و مدلول‌های رقیب را به حاشیه برانند. به عنوان مثال دال «نظارت»، دو مدلول «نظارت استصوابی» و «نظارت استطلاعی» دارد که در رقابت میان گفتمان‌ها می‌تواند یکی از آنها برجسته شده و دیگری کنار گذاشته شود. (مقدمی، ۱۳۹۰: ۹۹) دالی که بتواند انسدادی در معنای خود ایجاد کند، به نحوی که تمامی دال‌ها پیرامون آن وحدت یابند و مفصل‌بندی شوند، دال برتر یا دال مرکزی نامیده می‌شود. (Jorgensen & Phillips, 2002: 57)

۲. عنصر، لحظه

در دستگاه نظری لاکلا و موف، به دال‌های شناوری که هنوز در یک گفتمان جای نگرفته‌اند و معنای آنها تثبیت نشده و در حوزه گفتمان‌گونی قرار دارند، عنصر گفته می‌شود. دال‌هایی که درون یک گفتمان مفصل‌بندی می‌شوند و معنا و هویتی موقت به دست می‌آورند، لحظه خوانده می‌شوند. لحظه‌ها با تغییر گفتمان‌ها تغییر می‌کنند. (Laclau & Mouffe, 1985: 105)

مفصل‌بندی

مفصل‌بندی به‌عمل‌گردآوری اجزای مختلف و ترکیب آنها در یک هویت جدید اشاره دارد. (مارش و استوکر، ۱۳۹۳: ۲۰۲) در فرآیند مفصل‌بندی، گفتمان‌ها، دال‌های شناور در عرصه اجتماع را مانند قطعات به‌هم‌ریخته یک پازل، به‌گونه‌ای کنار هم می‌چینند که معنایی همه‌فهم و تصویری روشن از نظام سیاسی - اجتماعی به‌دست دهد. (کسرابی و پوزش‌شیرازی، ۱۳۸۳: ۳۴۵) کلیت ساختاردهی شده حاصل از عمل مفصل‌بندی، گفتمان را شکل می‌دهد. (نوذری و کریمی، ۱۳۹۱: ۶۰) نشانه‌های مفصل‌بندی‌شده در یک گفتمان، از ارزش برابر برخوردار نیستند و به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند. مهم‌ترین این نشانه‌ها، دال مرکزی است. (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۵۶ - ۱۵۵)

هژمونی

از دیدگاه لاکلا و موفه اگر بر سر معنای خاصی برای یک دال در جامعه اجماع حاصل شود و یا به‌عبارت دیگر افکار عمومی معنای مشخصی را برای آن هرچند به‌صورت موقت بپذیرد و تثبیت نماید، آن دال، هژمونیک می‌شود. با هژمونیک شدن دال‌های یک گفتمان، کل آن گفتمان هژمونیک می‌شود. تثبیت موقت هویت‌ها، اصلی‌ترین کارویژه هژمونی در گفتمان است. دستیابی به هژمونی، که غایت یک گفتمان به‌شمار می‌رود به کمک تثبیت معنا امکان‌پذیر خواهد بود. (خرمشاد و جمالی، ۱۳۹۷: ۳۴)

۱. منطق تفاوت؛ منطق هم‌ارزی

منطق تفاوت، بر تمایزات و مرزهای موجود میان نیروهای موجود تأکید می‌کند و منطق هم‌ارزی می‌کوشد از طریق مفصل‌بندی بخشی از این نیروها تمایزات آنها را کاهش داده و آنان را در مقابل یک غیر، منسجم نماید. (حسینی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۹۲) در عمل مفصل‌بندی، دال‌های اصلی با یکدیگر در زنجیره هم‌ارزی ترکیب می‌شوند. این دال‌ها نشانه‌های بی‌محتوای هستند یعنی به‌خودی‌خود بی‌معنایند تا اینکه از طریق زنجیره هم‌ارزی، با سایر نشانه‌هایی که آنها را از معنا پر می‌کنند، ترکیب می‌شوند و در مقابل هویت‌های منفی دیگری قرار می‌گیرند که به‌نظر می‌رسد تهدیدکننده آنها باشند. (De Vos, 2003: 165) در هم‌ارزی، عناصر، خصلت‌های متفاوت و معناهای رقیب را از دست می‌دهند و در معنایی که گفتمان ایجاد می‌کند منحل می‌شوند. (Smith, 1998: 89)

۲. حوزه گفتمان‌گونگی

دال‌هایی که در بیرون از محیط گفتمانی قرار دارند و می‌توانند به‌عنوان مواد خامی برای

مفصل‌بندی‌های جدید به کار روند، در این حوزه قرار دارند. در میان گفتمان‌ها، نزاع دائم برای تثبیت یک معنا، دال و نشانه و تبدیل آن از عنصر به لحظه وجود دارد. لاکلا و موف معانی احتمالی نشانه‌ها را که از گفتمان طرد شده‌اند، در حوزه گفتمان‌گویی قرار می‌دهند. بنابراین، سرریز معانی یک دال یا نشانه به حوزه گفتمان‌گویی، با هدف ایجاد یک‌دستی معنایی در یک گفتمان انجام می‌شود. (Laclau & Mouffe, 1985: 111)

۳. انسداد یا توقف

گفتمان‌ها همواره در حال رقابت برای تثبیت معنا هستند. وقتی که یک عنصر، چندگانگی معنایی خود را از دست داده و به یک معنای تثبیت‌شده دست یابد، یعنی به وقته تبدیل شود، می‌گویند انسداد یا توقف صورت گرفته است. (سلطانی، ۱۳۸۴: ۷۹) لازمه تثبیت، انسداد و توقف، برجسته‌سازی معنای موردنظر خود و طرد و به حاشیه‌رانی معنای رقیب است. (مقدمی، ۱۳۹۰: ۱۰۱) معانی دیگر، پس از طرد شدن، به حوزه گفتمان‌گویی منتقل می‌شوند.

گفتمان انقلاب اسلامی

در روزها و ماه‌های اولیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، افراد، گروه‌ها و گرایش‌های گوناگون سیاسی عناصر متنوع و متعددی را مانند: استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی، ولایت فقیه، حکومت اسلامی، حکومت کارگری، حکومت سکولار، مبارزه با امپریالیسم، مقابله با نظام سلطه، جامعه بی‌طبقه، ملی‌گرایی، امت‌گرایی، هم‌گرایی با نهضت‌های آزادی‌بخش، اقتصاد دولتی، اقتصاد آزاد، فرهنگ و هویت اسلامی، باستان‌گرایی، ارتباط دین و سیاست، صدور انقلاب، اسلام برای ایران، ایران برای اسلام و... به‌عنوان آرمان‌ها و اهداف انقلاب در فضاها گفتمانی جامعه انتشار می‌دادند. این عناصر، که برخی از آنها در منطق هم‌ارزی با نظام معنایی انقلاب اسلامی و برخی دیگر متفاوت از آن قرار داشتند، به‌تدریج زمینه رقابت گرایش‌های مختلف سیاسی را در جامعه فراهم نمود. هژمونیک نشدن برخی از عناصر متفاوت با منطق انقلاب اسلامی، زمینه ایجاد اختلاف و درگیری‌های سیاسی و متوسل شدن برخی از جریان‌های برانداز به ترور و بمب‌گذاری را فراهم نمود. با مهار بحران جریان‌های معارض و تثبیت نظام جمهوری اسلامی، دال‌های همسو با نظام معنایی انقلاب اسلامی و اندیشه سیاسی امام خمینی علیه‌السلام، زمینه هژمون شدن گفتمان انقلاب اسلامی را فراهم آوردند. دال ولایت فقیه از جمله دال‌های شاخص این گفتمان بود که با توجه به نقش محوری امام خمینی علیه‌السلام در شکل‌گیری، پیروزی و تثبیت انقلاب اسلامی و همراهی و حمایت قاطبه

مردم از ایشان، به‌عنوان دال مرکزی یا دال برتر در کانون گفتمان انقلاب اسلامی قرار گرفت و دال‌های دیگر مانند آزادی، استقلال، حکومت اسلامی، عدالت اجتماعی، عدالت اقتصادی، اقتصاد اسلامی، نه شرقی نه غربی، مقابله با نظام سلطه، امت‌گرایی، ارتباط دین و سیاست، صیانت از ارزش‌های فرهنگی و مقابله با تهاجم فرهنگی بیگانگان، صدور انقلاب اسلامی، حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و...، پیرامون آن مفصل‌بندی شدند. حدود و ظرایف مفهومی دال‌های گفتمان انقلاب، برای هم‌ارز ماندن با نظام معنایی انقلاب اسلامی، در دهه اول انقلاب، توسط امام خمینی و در دهه‌های بعد توسط حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به‌طور مرتب، به‌روزرسانی شده است. این پژوهش از میان دال‌های پیش‌گفته، مفهوم پنج‌مورد را که شامل ولایت فقیه، عدالت اقتصادی، مقابله با نظام سلطه، صیانت از ارزش‌های فرهنگی و حمایت از مسلمانان (امت‌گرایی) می‌شود و براساس اندیشه امام خمینی علیه السلام و آیت‌الله خامنه‌ای در ساختار گفتمان انقلاب اسلامی انسداد معنایی یافته‌اند، بررسی کرده است.

ولایت مطلقه فقیه، دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی

ولایت و مرجعیت جریان فقاقت به‌عنوان مدل اصلی اداره امور جامعه در دوران غیبت امام عصر علیه السلام در حوزه اعتقادات شیعی قرار دارد. فقیه یا مجتهد کسی است که از دانش فقه برخوردار است و توانایی استنباط احکام و قوانین شرعی را از منابع و ادله اربعه داراست. (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۵۲۸ - ۵۲۷) ولایت فقیه، ولایت مدیریتی بر جامعه اسلامی است که به‌منظور اجرای احکام و تحقق ارزش‌های دینی و شکوفا ساختن استعدادهاى افراد یک جامعه و رساندن آنان به کمال و تعالی در خور خویش صورت می‌گیرد. (جوادی‌آملی، ۱۳۹۱: ۱۲۹) نظریه ولایت فقیه امام خمینی، از نظریه‌های متأخر در این زمینه است که در کتاب‌های *کشف‌اسرار* (۱۳۲۲)، *رسائل* (۱۳۳۱)، *تحریر الوسیله* (۱۳۴۳)، *البیح* (۱۳۴۸) و *حکومت اسلامی یا ولایت فقیه* (۱۳۴۹ - ۱۳۴۸) مورد بحث قرار گرفته است. (باباپور، ۱۳۷۸: ۸۳) این نظریه با توجه به نقش اساسی امام خمینی در رهبری انقلاب اسلامی و حمایت گسترده مردم از تأسیس حکومت اسلامی، به‌عنوان الگوی مدیریت نظام، در ساختار حقوقی نظام جمهوری اسلامی تثبیت شده است.

امام خمینی علیه السلام ولایت فقیه را از موضوعاتی می‌دانستند که تصور آن، موجب تصدیق می‌شود و احتیاجی به برهان ندارد. براساس نظریه ایشان، در زمان غیبت اگرچه شخص معینی برای تصدی امر حکومت قرار داده نشده، ولی از آنجاکه امر حکومت، نیاز حتمی جامعه اسلامی است، ممکن نیست خداوند اهمال کرده باشد. به‌همین دلیل، براساس تشخیص عقل و راهنمایی نقل، استمرار حکومت و

ولایت اسلامی در دوران غیبت امام عصر علیه السلام، موضوعی ضروری است. در اندیشه ایشان، مشروعیت حکومت اسلامی در دوران غیبت، منوط به وجود رهبری در رأس نظام اسلامی است که ولایتش براساس ادله شرعی، قابل اثبات باشد. امام خمینی رحمته الله علیه ضرورت ولایت فقها، را ناشی از دین شناس بودن آنان می داند و معتقدند همان گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مأمور اجرای احکام و رئیس و حاکم مسلمین بود، فقهای عادل دین شناس هم باید بر اجرای احکام نظارت کنند و نظام اجتماعی را مستقر گردانند. (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۸۰) ایشان براساس مقام ابلاغ و اجرای رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مورد احکام دین، خلیفه منصوب رسول الله صلی الله علیه و آله را موظف به تشکیل حکومت و برقراری دستگاه اجرا می داند. (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۱۸ - ۱۷)

حوزه اختیارات ولی فقیه از مباحثی است که در اندیشه سیاسی امام خمینی، حداقل سه دهه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به آن توجه شده بود، اما طرح برخی دیدگاه های متفاوت در فضای گفتمانی سال های اولیه پس از پیروزی و تجربه حاصل از رهبری نظام جمهوری اسلامی، سبب تمرکز امام خمینی رحمته الله علیه بر این موضوع، به خصوص در سال های آخر حیات شان گردید. با توجه به اینکه ایشان حکومت را، نه در زمره احکام ثانویه معهوده، بلکه به عنوان شعبه ای از ولایت مطلقه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و از احکام اولیه و مقدم بر تمام احکام فرعی، حتی نماز و روزه و حج می داند و معتقدند حاکم می تواند از هر امر عبادی و یا غیرعبادی، مادام که جریان آن مخالف مصالح اسلام باشد، جلوگیری کند، (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۰ / ۴۵۱) لذا تأکید می کنند ولی فقیه معادل همه اختیارات سیاسی و حکومتی پیامبر و ائمه علیهم السلام از اختیارات حکومتی برخوردار است. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۲ / ۶۲۶)

حضرت آیت الله خامنه ای که دانش آموخته، معتقد و مشی کرده بر مبنای فقه امام خمینی است (نامه به امام خمینی، ۱۳۶۶ / ۱۰ / ۲۱) موضوع ولایت فقیه را جزو واضحات فقه اسلام می داند و معتقدند در دوران غیبت، حاکمیت در سلسله مراتب حکومت الهی و ولایت الهی به حسب حکم قطعی و صریح عقل و هم بر حسب ادله اسلامی و شرعی به فقیه جامع الشرایط، عادل، عالم و مخالف با هوای نفس و بصیر به اوضاع زمان و دارای قدرت تدبیر، اختصاص دارد. (اشرفی و علی زاده سیلاب، ۱۳۹۵: ۳۶ - ۳۴) مقام معظم رهبری، ولایت و حاکمیت ولی فقیه را ولایت و حاکمیت دین و فقه و ولایت و حاکمیت ارزش ها می داند (موسوی خامنه ای، ۱۳۹۰: ۲۶۹) و معتقدند اساسی ترین و محوری ترین مفهوم و معنای ولایت فقیه، جایگاه مهندسی نظام و حفظ خط و جهت نظام و جلوگیری از انحراف به چپ و راست است. (بیانات رهبری، ۱۳۸۳/۳/۱۴) مقام معظم رهبری در زمینه حدود اختیارات ولی فقیه، با تأکید بر اینکه فقه اسلامی، هیچ امری از امور زندگی بشر را از حکم الهی

بیرون نمی‌داند و همه مسائل سیاسی، اقتصادی، فردی، اجتماعی، مشمول حکم الهی است، حدود فقه را به‌عنوان محدوده ولایت و حاکمیت فقیه می‌دانند و معتقدند تا هرجای زندگی بشر که احکام الهی و فقه اسلامی، گسترده است، ولایت و حاکمیت فقیه هم تا همان جا گسترده است (موسوی خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۷۸) ایشان معتقدند چون ریشه ولایت فقیه، ولایت الهی است و همان چیزی است که از پیغمبر به اوصیای معصومین علیهم السلام و از اوصیای معصومین علیهم السلام به علما و فقهای امت منتقل شده، بنابراین ولی فقیه دارای اختیارات گسترده است. (موسوی خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۶۹)

نشانه‌ها و مدلول‌های استفاده‌شده در سخنان و بیانات امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای در موضوع ولایت فقیه: ضرورت برقراری حکومت، ولایت فقیه تداوم ولایت الهی، تصور ولایت موجب تصدیق، ولایت پیامبر شامل حوزه ابلاغ و اجرا، اثبات ولایت به‌حسب حکم قطعی و صریح عقل و ادله اسلامی و شرعی، تداوم ولایت در دوران غیبت، ولی منصوب رسول الله صلی الله علیه و آله، ضرورت استقرار حاکم دارای ولایت شرعی در رأس حکومت، ضرورت دین شناس بودن حاکم، ولایت فقیه ولایت و حاکمیت دین و فقه و ارزش‌ها و مهندسی نظام و جلوگیری از انحراف به چپ و راست، اولویت حکومت بر احکام اولیه عنداللزوم، اختیارات ولی فقیه معادل اختیارات سیاسی و حکومتی پیامبر و ائمه علیهم السلام، محدوده ولایت مبتنی بر احکام الهی و محدوده فقه و...، نشان می‌دهد ولایت فقیه از نظر ایشان، استمراردهنده اندیشه ولایت الهی و منصوب از ناحیه خداوند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد و از اختیارات مطلقه براساس اصول و احکام شرعی برخوردار است.

الف) دال عدالت اقتصادی

عدالت اقتصادی به مفهوم قرار گرفتن سطح زندگی در محدوده کفاف و عدم‌تداول ثروت در دست اغنیا تعریف شده است. (رجایی، ۱۳۹۲: ۷۹) عدالت اقتصادی، در شرایطی محقق می‌شود که آحاد مردم از ثروت و امکانات جامعه بدون تبعیض بهره‌مند شوند. کلیدواژه عدالت و مفاهیم و مشتقات مرتبط با آن مانند محرومان، مستضعفان، فقرا و دیگر کلمات مشابه از واژه‌های دارای فراوانی قابل‌توجهی در سخنان، پیام‌ها و مکتوبات امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای است. امام خمینی علیه السلام، یکی از اهداف انقلاب اسلامی را برقراری عدالت اسلامی می‌دانند (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۹ / ۴۲۵ - ۴۲۴) و معتقدند برنامه جمهوری اسلامی این است که یک دولتی به‌وجود بیاید که با همه قشرها به عدالت رفتار شود. (همان: ۷۳ - ۷۲) ایشان تأکید می‌کنند حکومت اسلامی یک نظام عادلانه است و باید برای زاغه‌نشین‌های بیچاره‌ای که هیچ ندارند، فکری کرد. (همان: ۴ / ۴۶۹) حضرت امام با تأکید بر اینکه سطح زندگی افراد نباید آن قدر از هم فاصله داشته باشد، که یک نفر از همه امکانات و ثروت‌ها برخوردار باشد و

فرد دیگر حتی به نان شب خود محتاج باشد، (همان: ۸ / ۴۲۵ - ۴۲۴) تصویب قوانین برای احقاق حقوق محرومین و فقرا را از جمله وظایف و مسئولیت‌های مهم دولتمردان در جمهوری اسلامی دانسته‌اند. (همان: ۱۴ / ۳۰۴) امام خمینی معتقدند اسلام نه با سرمایه‌داری ظالمانه و بی‌حساب و محروم‌کننده توده‌های تحت‌ستم و مظلوم موافق است، بلکه آن را به محکوم می‌کند و مخالف عدالت اجتماعی می‌داند و نه رژیم‌های مانند رژیم کمونیسم و مارکسیسم لنینیسم (همان: ۲۱ / ۴۴۴) را تأیید می‌کند که به مالکیت اشتراکی معتقد است.

مقام معظم رهبری کم‌کردن فاصله‌ها، دادن فرصت‌های برابر، تشویق درست کار و مهارت‌جاووزان به ثروت ملی، مناطق دوردست کشور و مناطق فقیر را مثل مرکز کشور زیر نظر آوردن، منابع مالی کشور را به همه رساندن، همه را صاحب و مالک این منابع دانستن، را از قدر مسلم‌های عدالت می‌دانند. (بیانات رهبری، ۱۳۸۵/۳/۲۹) ایشان با تأکید بر اینکه فلسفه وجودی حکومت، احقاق حق و برپایی عدالت است، (سیدیان، ۱۳۸۵: ۱۱۳) معتقدند امروز مهم‌ترین حرف نظام اسلامی، عدالت است. امروز ما می‌خواهیم عدالت اجرا شود. همه تلاش‌ها و مجاهدت‌ها برای این است که در جامعه، عدالت تأمین شود. ایشان با اشاره به لزوم از میان برداشتن فاصله‌های طبقاتی و جغرافیایی در نظام جمهوری اسلامی، تأکید می‌کنند باید برابری در استفاده از امکانات و فرصت‌ها به‌وجود آید (بیانات رهبری، ۱۳۸۸/۱/۱) و عدالت به‌عنوان یک پرچم برافراشته، همواره در دست مسئولان قوای سه‌گانه باشد (بیانات رهبری، ۱۳۸۵/۳/۱۴) و همه مردم و مسئولین با تاسی به سیره نظری و عملی امیرمؤمنان (علیه‌السلام)، در عدم‌داهنه نسبت به اجرای عدالت، ملتزم به این اصل محوری باشند که عدالت قابل اغماض و معامله نیست و هیچ‌یک از مصالح فردی و جمعی نمی‌تواند با عدالت معامله شود. (بیانات رهبری، ۱۳۸۲/۸/۲۳) مقام معظم رهبری با مردود دانستن نگرشی که توسعه را مقدم بر عدالت می‌داند، تأکید می‌کنند بعضی این تصور را می‌کنند که ما بایستی دوره‌ای را صرف رشد و توسعه کنیم و وقتی که به آن نقطه مطلوب رسیدیم، به تأمین عدالت اجتماعی بپردازیم. این فکر اسلامی نیست. عدالت هدف است و رشد و توسعه، مقدمه عدالت است. (بیانات رهبری، ۱۳۷۴/۶/۸)

نشانه‌ها و مدل‌های استفاده‌شده در بیانات امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای در موضوع عدالت اقتصادی، مانند حکومت اسلامی یک نظام عادلانه، برقراری عدالت مهم‌ترین حرف نظام اسلامی، کم‌کردن فاصله‌های طبقاتی و جغرافیایی و اعطای فرصت‌های برابر هدف جمهوری اسلامی، رفتار به عدالت با همه اقشار، عدم تبعیض در برخورداری از امکانات و ثروت‌ها، احقاق حقوق محرومین و فقرا وظیفه مسئولان، عدالت پرچم برافراشته در دست مسئولان، ضرورت عدم‌داهنه نسبت به اجرای

عدالت، اقتصاد اسلامی متفاوت با اقتصاد سرمایه‌داری و مارکسیستی، عدالت مقدم بر توسعه، حاکی است که عدالت اقتصادی در اندیشه ایشان، به عنوان یک ضرورت دینی و فطری، امری غیرقابل اجتناب است و جمهوری اسلامی خود را موظف می‌داند با سیاست‌گذاری دقیق و تصویب قوانین مورد نیاز، برای ارتقای سطح برخورداری محرومان و مستضعفان از امکانات و ثروت‌های ملی، اهتمام لازم را به عمل آورد. در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی، پرداختن به توسعه و روند‌های اقتصادی مبتنی بر تولید ثروت، نمی‌تواند مجوزی برای از اولویت خارج شدن عدالت اقتصادی باشد.

ب) دال مقابله با نظام سلطه

سلطه در لغت به «قدرت از روی قهر» گفته می‌شود و در فرهنگ سیاسی به معنای استعمار و در زبان قرآن به معنای استکبار استفاده شده است. (جعفری، ۱۳۹۶: ۱۴۲) در وضعیت مبتنی بر سلطه، ارباب یا حاکم، اطاعتی را که اصولاً دیگران در برابر او بدان موظفند، به دست می‌آورد. (آرون، ۱۳۶۶: ۶۲۷) در نظام بین‌المللی مبتنی بر سلطه، یک یا چند قدرت مسلط در مقام هژمون، قواعد و چارچوب‌های رفتاری دولت‌ها را تجویز و سلطه خود را به دیگران دیکته می‌کنند. (عباسی، ۱۳۹۷: ۱۳) تاریخ معاصر ایران، اسناد و شواهد متعددی را از دخالت‌های کشورهای سلطه‌گر در حافظه خود ثبت نموده است. مشکلات و مصائب ناشی از دخالت و نفوذ آنان در مسائل داخلی ایران، همواره بار سنگینی بر دوش ملت بوده و خسارت‌های هنگفت مادی و معنوی را برای ما در پی داشته است. پیروزی انقلاب اسلامی، نقطه آغازی بر پایان تسلط نظام سلطه بر ایران و ایرانیان بوده است.

سیره و منش سیاسی امام خمینی، چه در دوران مبارزه و چه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره تداعی‌کننده روحیه بت‌شکنی حضرت ابراهیم خلیل‌الله بوده است. ایشان معتقدند ما در عصری زندگی می‌کنیم که مقدرات ملت‌های در بند مظلوم، به دست مشت‌های جنایت‌پیشه که خوی سبعت بر آنان غالب است، می‌باشد و سازمان‌های به اصطلاح حقوق بشر، نگهبان منافع ظالمانه ابرجنایتکاران و مدافع ستمکاری آنان هستند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۷ / ۵۰۰)

امام خمینی علیه السلام عقب‌نگه داشتن کشورهای جهان سوم و اسلامی را از اهداف قدرت‌های بزرگ سلطه‌گر می‌دانند (همان: ۱۹ / ۳۴۲) و معتقدند برای مسلمانان جهان ننگ است که با این همه سرمایه‌های انسانی و مادی و معنوی، تن به سلطه قدرتمندان مستکبر و دزدان دریایی و زمینی قرن بدهند. (همان: ۱۵ / ۱۷۲) ایشان با اشاره به اینکه تا زمانی که تعادل قوا در جهان به نفع مسلمانان برقرار نشود، شیطان بزرگ (آمریکا) یا شوروی، به بهانه حفظ منافع خود، هر روز حادثه‌ای را برای مسلمانان به وجود می‌آورند، (همان: ۲۱ / ۸۳) با طرح جمله «آمریکا از انگلیس بدتر، انگلیس از

آمریکا بدتر و شوروی از هردو بدتر؛ همه از هم پلیدتر»، (همان: ۱ / ۴۲۰) تأکید می‌کنند براساس دستور اسلام مبنی بر عدم‌پذیرش ظلم، (همان: ۱۱ / ۲۵۵) باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به‌وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد. (همان: ۲۱ / ۱۹۵)

حضرت امام با اعلام اینکه سیاست جمهوری اسلامی تداوم مبارزات آشتی‌ناپذیرانه علیه مستکبرین است، (همان: ۱۲ / ۱۴۷) تأکید می‌کنند ما می‌خواهیم به همه دنیا نشان دهیم که قدرت‌های فائده‌را می‌توان با نیروی ایمان شکست داد. ما در برابر دولت آمریکا با تمام قدرتش مقاومت می‌کنیم و از هیچ قدرتی نمی‌هراسیم. (همان: ۱۲ / ۳۵) امام خمینی علیه السلام ضمن معرفی دولت آمریکا به عنوان مصداق عینی دولت سلطه‌گر، (همان: ۱۳ / ۲۱۲) با رد پیشنهاد سازش با کشورهای سلطه‌گر، تأکید می‌کنند سازش با ظالم، ظلم بر مظلومین است؛ سازش با ابرقدرت‌ها، ظلم بر بشر است. آنهایی که به ما می‌گویند سازش کنید، آنها یا جاهل هستند یا مزدور. سازش با ظالم، یعنی اینکه دست ظالم را باز کن تا ظلم کند، این خلاف رأی تمام انبیاست. (همان: ۱۸ / ۵۰۰)

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نظام سلطه را نظامی متکی بر سرنیزه و زور که بدون شرم قلدری می‌کند، معرفی می‌کنند (بیانات رهبری، ۱۳۶۸/۱۰/۶) و با مغایر خواندن نظام سلطه با فطرت انسانی، سلطه‌پذیر بودن ملت‌ها و ارائه منابع ثروت‌شان را معیار پذیرش از نظر سلطه‌گران می‌دانند. (بیانات رهبری، ۱۳۷۴/۸/۱۰) ایشان با اشاره به اینکه نظام جهانی مبتنی بر نظام سلطه است، تأکید می‌کنند کشورهای سلطه‌گر و در رأس آن آمریکا، برای سلطه بر دنیا و ملل دیگر، یک دیکتاتوری بین‌المللی ایجاد کرده‌اند. (اسدی، ۱۳۹۶: ۲۹)

آیت‌الله خامنه‌ای مقابله با استکبار جهانی و وابستگان آنها را یکی از نشانه‌های حرکت در راه امام خمینی علیه السلام می‌دانند (بیانات رهبری، ۱۳۶۹/۳/۱۵) و معتقدند خروج از تمام شئون مربوط به نظام سلطه و اداره همه شئون فرهنگی، سیاسی و اقتصادی کشور، برخلاف مسیر جریان سلطه در نظام جمهوری اسلامی قانون قطعی است. (بیانات رهبری، ۱۳۹۶/۳/۱۷)

مقام معظم رهبری ضمن رد پیشنهاد سازش با سلطه‌گران، تأکید می‌کنند هیچ نرمش و هیچ کوتاه‌آمدنی و هیچ عقب‌نشینی، اشتباهی سیری‌ناپذیر مستکبران را اشباع نمی‌کند. این‌ها جز به تسلط مطلق بر دنیای اسلام و به‌خصوص بر این منطقه خاورمیانه، به چیز دیگری قانع نیستند. (بیانات رهبری، ۱۳۸۳/۶/۲۳) ایشان با اشاره به اینکه منش و ذات و رفتار دولت ایالات متحده آمریکا، مداخله‌گری و سلطه‌گری است، تجسّم و تجسّد نظام سلطه را در رژیم و دولت کنونی ایالات متحده آمریکا معرفی می‌کنند. (بیانات رهبری، ۱۳۹۲/۱۱/۱۹) رهبر معظم انقلاب به جوانان توصیه می‌کنند

نظام سلطه را با تمام ابعاد و لایه‌هایش بشناسند و اهداف و راهبردهای واقعی آن را تحلیل کنند و برای رویارویی با آن، تمام ظرفیت‌های خود را به کار گیرند. (پیام به نشست اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل، ۱۳۹۲/۱۱/۲۳)

نشانه‌ها و مدل‌های استفاده‌شده در سخنان امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای در موضوع مقابله با نظام سلطه، که در قالب عباراتی مانند مغایرت نظام سلطه با فطرت انسانی، اشتباهی سیری ناپذیر مستکبران، مقدرات ملت‌ها در دستان جنایت‌پیشگان و سازمان‌های بین‌المللی مدافع منافع ابرجنایتکاران، عقب‌ماندگی جهان سوم و کشورهای اسلامی از اهداف قدرت‌های سلطه‌گر، ننگ بودن تن دادن به سلطه، ضرورت ارتقای قدرت مسلمانان برای نجات از سلطه‌گران، لزوم شناخت سلطه و آمادگی برای رویارویی با آن، ضرورت ایجاد هسته‌های مقاومت در برابر کشورهای سلطه‌گر، عدم‌مسامحه و عقب‌نشینی در برابر سلطه‌گران و خروج از تمام شئون مربوط به نظام سلطه سیاست جمهوری اسلامی، دولت آمریکا مصداق عینی دولت سلطه‌گر، سازش با ابرقدرت‌ها ظلم بر بشر و...، بیان شده است، نشان می‌دهد در اندیشه ایشان، ماهیت و ذات اصلی انقلاب اسلامی ایران براساس نفی انظلام و سلطه‌پذیری بنیان‌گذاری شده و مقابله با کشورهای سلطه‌گر باید به‌عنوان اصلی راهبردی، در سیاست خارجی جمهوری اسلامی تثبیت گردد.

ج) دال صیانت از ارزش‌های فرهنگی

هویت فرهنگی، حاصل خودآگاهی افراد نسبت به انباشتی تاریخی از تجربه‌های فرهنگی ملت خویش است که در طول زمان شکل گرفته است. شهرت تاریخی تمدن و هویت فرهنگ ایرانی که پیشینه آن به هزاران سال می‌رسد و مجموعه‌ای بی‌نظیر از انباشت‌های گوناگون فرهنگی را در خود اندوخته است. (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹: ۱۶۲) علاوه بر موارد ملاموس، مدیون شاخصه‌های ناب و معنامحورانه فرهنگ ایرانی است که در اثر امتزاج با آموزه‌های اسلامی بر غنا و تعالی آن افزوده شده است. پاسداشت ارزش‌های فرهنگ ایرانی - اسلامی و رعایت حریم آن توسط حاکمیت، همواره بخشی از مطالبات اجتماعی ایرانیان از حاکمان خود بوده است. اغراق نیست اگر ادعا شود با توجه به سیاست‌های اباحه‌گرایانه سلسله پهلوی نسبت به ارزش‌های فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی آنچه انقلاب اسلامی ایران را از سایر انقلاب‌ها متمایز می‌سازد، بعد فرهنگی و جنبه‌های نرم‌افزارگرایانه آن بوده است. (جمال‌زاده، ۱۳۹۱: ۶۲) بدون شک اتکای ایدئولوژی انقلاب اسلامی، به ارزش‌های والای فرهنگ ایرانی - اسلامی، عنصر بیمه‌کننده آن در مقابل تهدیداتی بوده که در طی چهار دهه گذشته در مواجهه با انقلاب اسلامی ایجاد شده‌اند.

فرهنگ و دیگر مقوله‌های مرتبط با آن، از عناصر مهم مورد توجه در ساختار اندیشه امام خمینی علیه السلام بوده و می‌توان تأکید کرد که عمده دیدگاه‌های حضرت امام در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دارای زیرساخت و پیوست فرهنگی بوده است. ایشان معتقدند فرهنگ، اساس ملت، ملیت و استقلال (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۶ / ۴۰) و مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های یک ملت است. (همان: ۱ / ۲۷۳)

از نظر امام خمینی علیه السلام فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هرچند جامعه در بُعدهای اقتصادی سیاسی، صنعتی و نظامی قدرت‌مند شود ولی پوچ و پوک و میان تهی است. (همان: ۱۵ / ۲۴۳) ایشان ضمن تأکید بر اینکه فرهنگ، بزرگ‌ترین مؤسسه‌ای است که می‌تواند ملت را به تباہی یا به اوج عظمت و قدرت بکشد، (همان: ۷ / ۴۷۴) در خصوص نتایج وابستگی فرهنگی معتقدند اگر فرهنگ جامعه‌ای، وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد. (همان: ۱۵ / ۲۴۳) در ادامه تأکید می‌کنند باید باور کنیم که خودمان دارای یک فرهنگ بزرگ انسانی با ارزش‌های اسلامی هستیم (همان: ۱۸ / ۱۶۲) و با همه امکانات، به دفاع از این ارزش‌های الهی برخیزیم و به مهاجمان به آن مجال حمله را ندهیم. (همان: ۲۰ / ۳۱۶)

حضرت امام علیه السلام با تأکید بر اینکه جهان‌خواران برای به دست آوردن مقاصد شوم خود و تحت‌ستم کشیدن مستضعفان جهان، راهی بهتر از هجوم به فرهنگ کشورهای ضعیف ندارند، (همان: ۱۵ / ۴۴۶) مسئولیت علمای بلاد و کشورهای اسلامی را در خصوص جلوگیری از تهاجم فرهنگی فرهنگ‌های مبتذل شرق و غرب و بازگویی آثار سوء و نتایج خودباختگی در مقابل زرق‌وبرق غرب و شرق را خطیر و اساسی دانسته‌اند. (همان: ۲۰ / ۳۳۷)

فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی در اندیشه سیاسی - اجتماعی مقام معظم رهبری نیز به‌عنوان اولوی‌ترین راهبردی مورد توجه واقع شده است. ایشان با تشبیه فرهنگ به هوایی که انسان برای زنده ماندن و فعالیت نیاز به استنشاق نوع سالم آن دارد، (بیانات رهبری، ۱۳۸۶/۶/۴) هویت و ارزش‌های فرهنگی را روح و معنای حقیقی یک ملت می‌دانند و تأکید می‌کنند همه‌چیز مترتب بر فرهنگ است. فرهنگ، حاشیه و ذیل اقتصاد و سیاست نیست، بلکه اقتصاد و سیاست، حاشیه و ذیل بر فرهنگ اند. ایشان انفعال در مقابل فرهنگ مهاجم را بدترین، زشت‌ترین و خسارت‌بارترین کار می‌دانند (بیانات رهبری، ۱۳۹۲/۹/۱۹) و تأکید می‌کنند اگر ملتی اجازه داد فرهنگ ملی‌اش پامال تهاجم فرهنگ‌های

بیگانه شود، آن ملت از دست‌رفته است. آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند ملت غالب، ملتی است که فرهنگش غالب است. غلبه فرهنگی می‌تواند غلبه اقتصادی و سیاسی و امنیتی و نظامی و همه‌چیز را با خود به‌دنبال بیاورد. (بیانات رهبری، ۱۳۷۲/۵/۱۲)

مقام معظم رهبری با اشاره به اینکه حصار فرهنگی و خاک‌ریز فرهنگی در کشور اگر سست باشد، همه‌چیز از دست خواهد رفت، تأکید می‌کنند امروز انگیزه دشمنان برای نفوذ در حصار فرهنگی بیشتر شده است. (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۵/۳۱) ایشان با تأکید بر اینکه امروز تمرکز دشمنان بر روی فرهنگ بیشتر از همه‌جا است، به تأثیر کم‌کاری‌ها و غلط‌کاری‌های برخی از مسئولان فرهنگی و غیرفرهنگی در مقابله با تهاجم فرهنگی اشاره می‌کنند و و مراقبت از رخنه فرهنگی دشمنان را امری مهم و حساس می‌دانند. (بیانات رهبری، ۱۳۹۳/۱/۱)

نشانه‌ها و مدلول‌های استفاده‌شده در بیانات امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای در موضوع صیانت از ارزش‌های فرهنگی که در قالب عبارت‌هایی مانند فرهنگ، اساس استقلال و مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌ها، قوت و ضعف فرهنگی منشأ تباهی یا عظمت و قدرت جامعه، موجودیت جامعه در گرو فرهنگ، فرهنگ به‌مثابه هوایی که استنشاق می‌کنیم، وابستگی فرهنگی معادل مستهلک شدن موجودیت جامعه، از بین رفتن همه چیز در صورت سست شدن حصار فرهنگی جامعه، لزوم باور به قوت و عظمت فرهنگ خود، غلبه فرهنگی دشمن مساوی با غلبه همه‌جانبه، تهاجم فرهنگی راهی برای استیلا بر ملت‌ها، اصالت فرهنگ و حاشیه بودن اقتصاد و سیاست در برابر آن، تمرکز گسترده دشمنان انقلاب اسلامی بر موضوع فرهنگ، خسارت‌بار بودن انفعال در برابر تهاجم فرهنگی، گسترش تهاجم فرهنگی در اثر کم‌کاری‌ها و غلط‌کاری‌های مسئولان فرهنگی و غیرفرهنگی، مسئولیت سنگین اندیشمندان و مسئولان در مقابله با تهاجم فرهنگی و... بیان شده است، نشان از اهمیت محافظت از ارزش‌های فرهنگی در گفتمان انقلاب اسلامی و حفظ موجودیت و اقتدار نظام جمهوری اسلامی، از نظر ایشان دارد. در اندیشه ایشان، انفعال و مسامحه در برابر تهاجم فزاینده فرهنگی دشمن، به‌عنوان گناه و جرمی بزرگ و تهدیدکننده انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران تلقی شده است.

د) دال حمایت از مسلمانان (امت‌گرایی)

ملت و امت واژه‌هایی حقوقی - سیاسی هستند که در مباحث مربوط به بازنمایی هویت افراد ساکن در محدوده جغرافیایی خاص مورد استفاده قرار می‌گیرند. در اندیشه سیاسی اسلام برای تبیین هویت سیاسی - اجتماعی مسلمانان از واژه «امت» استفاده شده است. (میراحمدی، ۱۳۸۹: ۲۰۷) در نظریه

امت، مفهومی جدید از مرزهای جغرافیایی و اعتقادی، مبتنی بر وحدت ایدئولوژیک مسلمانان ترسیم می‌شود. (آجرلو، ۱۳۹۵: ۳) با توجه به ماهیت اسلامی انقلاب ایران، جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، گسترش تعامل با ملت‌ها و کشورهای اسلامی و حمایت از آنان را برای عینیت بخشیدن به سازه امت واحده در افق آرمانی خود قرار داده است.

در پیام‌ها، سخنرانی‌ها و آثار مکتوب حضرت امام، تلاش برای صورت‌بندی نظام اسلامی، فراتر از نظام و الگوی دولت - ملت به وضوح دیده می‌شود. (مولانا، ۱۳۸۷: ۲ / ۴۶۴) در اندیشه امام، اسلام متعلق به طایفه خاصی نیست و اسلام آمده است تا تمام ملل دنیا را، عرب را، عجم را، تُرک را، فارس را، همه را با هم متحد کند و یک امت بزرگ به نام امت اسلام در دنیا برقرار کند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۳ / ۴۴۳) ایشان ملی‌گرایی را نشئت گرفته از توطئه استعمارگران و اساس بدبختی مسلمین می‌دانند (همان: ۱۳ / ۸۷) و با تأکید بر اینکه ما تصمیم به آزادی انرژی متراکم جهان اسلام داریم، (همان: ۲۱ / ۸۰) سیاست جمهوری اسلامی را دفاع از ممالک اسلامی، (همان: ۱ / ۸۴) رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و سرمایه‌گذاری برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان ذکر می‌کنند. (همان: ۲۱ / ۹۱)

یکی از مصادیق مهم اندیشه امت‌گرایانه حضرت امام، تمرکز بر موضوع حمایت از مسلمانان فلسطین است. ایشان که در اوج قدرت نظام ستم‌شاهی، افشاگر روابط پنهان رژیم شاه و اسرائیل بوده‌اند و مقابله با خطر رژیم صهیونیستی برای جهان اسلام را به صورت جدی دنبال می‌کردند، (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۳: ۲۴) با تعیین آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به عنوان روز قدس از عموم مسلمانان جهان و دولت‌های اسلامی خواسته‌اند، برای کوتاه کردن دست غاصبان فلسطین و پشتیبانان آن به هم بیوندند و همبستگی بین‌المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مسلمانان اعلام نمایند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۹ / ۲۶۷)

امت‌گرایی و حمایت از مسلمانان در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای نیز مورد توجه ویژه قرار گرفته است. ایشان معتقدند هدف نهایی را باید ایجاد امت واحده و تمدن اسلامی قرار داد. (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۶/۲۶) ایشان شکل‌گیری سازه امت اسلامی را نتیجه منطقی روندی می‌دانند که با انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی شروع شده و با شکل‌گیری دولت و جامعه اسلامی، شاهد به وجود آمدن آن خواهیم بود. (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۷/۲۴)

مقام معظم رهبری احساس شعور نسبت به امت اسلامی در میان مسلمانان را از نتایج اقدامات حضرت امام می‌دانند و معتقدند امروز همه مسلمان‌ها در اقصی نقاط آسیا تا قلب آفریقا و تمام

خاورمیانه و در اروپا و آمریکا احساس می‌کنند که جزو یک جامعه جهانی بزرگ به نام امت اسلامی هستند. (بیانات رهبری، ۱۳۶۸/۴/۲۳) ایشان در راستای جهت‌دهی سیاست‌های نظام، برای نیل به سازه امت واحد اسلامی در حکم انتصاب مسئول یکی از سازمان‌های کشوری بر پیگیری پایه‌گذاری تشکیل امت واحد اسلامی در مقابل اردوگاه استکبار به عنوان چشم‌انداز آینده تأکید کرده‌اند. (حکم انتصاب دبیرکل مجمع تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۹۱/۴/۲۰)

تمرکز بر موضوع فلسطین به عنوان مهم‌ترین مسئله جهان اسلام از شاخص‌ترین موارد در اندیشه امت‌گرایانه آیت‌الله‌خامنه‌ای است. ایشان معتقدند مسئله فلسطین، مسئله اول در میان همه موضوعات مشترک کشورهای اسلامی است. (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۷/۹) مقام معظم رهبری بزرگ‌ترین وظیفه ملت و دولت ایران و همه ملت‌ها و دولت‌های مسلمان را حمایت از مبارزات مردم فلسطین می‌داند. (بیانات رهبری، ۱۳۶۹/۳/۱۰) و بر لزوم احساس تکلیف مسلمانان در این خصوص به عنوان وظیفه‌ای که مسلمانی بر دوش آنان نهاده، تأکید می‌کنند. (بیانات رهبری، ۱۳۷۰/۷/۲۵)

ایشان کمک همه‌جانبه به مردم فلسطین و حمایت کامل از آنان را واجب کفایی بر همه مسلمانان می‌داند و خطاب به دولت‌هایی که به جمهوری اسلامی ایران و برخی دیگر از کشورهای مسلمان به علت کمک به فلسطین خرده می‌گیرند، می‌فرمایند: شما خود متحمل این کمک و حمایت‌ها شوید تا تکلیف اسلامی از دیگران ساقط شود و اگر همت و توان و شجاعت آن را ندارید، بهتر است به جای خرده‌گیری و کارشکنی، قدرشناس اقدامات مسئولانه و شجاعانه دیگران باشید. (بیانات رهبری، ۱۳۸۷/۱۲/۱۴)

نشانه‌ها و مدلول‌های استفاده‌شده در سخنان و بیانات امام خمینی و آیت‌الله‌خامنه‌ای در موضوع حمایت از مسلمانان (امت‌گرایی)، که در قالب عبارت‌هایی مانند عدم‌مطابقت ملی‌گرایی با اندیشه اسلامی، انتشار اندیشه ملی‌گرایی توطئه‌ای برای نابودی مسلمانان، سیاست جمهوری اسلامی دفاع و حمایت از مسلمانان و رسیدگی به مشکلات آنان برای آزادسازی انرژی متراکم آنان، هدف‌نهایی ایجاد امت واحد، تمرکز بر موضوع حمایت از فلسطین به عنوان مسئله اول جهان اسلام، ضرورت همبستگی بین‌المللی مسلمانان برای حمایت از حقوق قانونی مسلمانان، واجب کفایی بودن حمایت همه‌جانبه از مردم مسلمان فلسطین، رشد اندیشه‌های امت‌گرایانه در جهان اسلام در پرتو انقلاب اسلامی و... بیان شده، حاکی است حمایت از مسلمانان، به عنوان یکی از دال‌های اساسی گفتمان انقلاب اسلامی مورد توجه رهبران جمهوری اسلامی قرار دارد و جمهوری اسلامی به عنوان ام‌القرای جهان اسلام، باید سیاست خارجی خود را در مسیر تحقق امت واحد اسلامی تدوین نماید.

نتیجه

در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی، قابلیت اعتبار دال‌های هم‌سو با نظام معنایی انقلاب اسلامی، زمینه هژمون شدن و تثبیت گفتمان انقلاب اسلامی را به‌عنوان گفتمان هژمون در برابر دیگر گفتمان‌ها فراهم آورد. عناصر این گفتمان، دال‌هایی بودند که ریشه در اعتقادات و فرهنگی دینی داشته و بازنمایی‌کننده آرمان‌های تاریخی مردم ایران محسوب می‌شدند. این پژوهش از میان مورد اشاره، دال‌های ولایت فقیه، عدالت اقتصادی، مقابله با نظام سلطه، صیانت از ارزش‌های فرهنگی و حمایت از مسلمانان (امت‌گرایی) را، برای بررسی مفهومی آنها در متن‌های تولیدشده توسط رهبران انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف انتخاب نمود. بررسی‌ها نشان داد دال ولایت فقیه، به‌دلیل نقش محوری امام خمینی علیه السلام و پس از ایشان، آیت‌الله خامنه‌ای در شکل‌گیری، پیروزی و تثبیت انقلاب اسلامی، به‌عنوان «دال مرکزی»، نقش اساسی در تثبیت گفتمان انقلاب و به‌روزرسانی مفهوم دیگر دال‌های مفصل‌بندی‌شده پیرامون آن را داشته‌اند.

بررسی دیدگاه‌های امام خمینی علیه السلام و آیت‌الله خامنه‌ای در مورد مفهوم دال‌های انتخابی گفتمان انقلاب اسلامی نشان داد ولایت فقیه در اندیشه ایشان، استمراردهنده به حاکمیت الهی و مشروعیت‌دهنده به حکومت در دوران غیبت و منصوب‌شده توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام است. همچنین در اندیشه ایشان، حوزه اختیارات ولی فقیه، به‌اقتضای ماهیت احکام دینی و ماهیت حکومت اسلامی، گسترده و شامل تمام اختیارات حکومتی پیامبر و ائمه علیهم السلام می‌باشد. بررسی مفهوم عدالت اقتصادی، نشان داد رهبران انقلاب اسلامی عدالت اقتصادی را به‌عنوان قاعده و الگوی نظام توزیع امکانات و ثروت در جامعه اسلامی و اصل و مبنا در ماهیت نظام اقتصادی جمهوری اسلامی و تدوین سیاست‌های اقتصادی آن می‌پذیرند. از نظر ایشان پیگیری ورود به فرایندهای اقتصادی مبتنی بر تولید ثروت، نمی‌تواند مجوزی برای فراموشی تعهد مسئولان برای تحقق عدالت اقتصادی در جامعه باشد. بررسی مفهوم مقابله با نظام سلطه نشان داد رهبران انقلاب اسلامی نظام بین‌الملل را مبتنی بر سلطه‌گری می‌دانند که هدف آن تسلط بر مقدرات ملت‌ها و غارت ثروت‌های آنان است. از نظر ایشان مسلمانان باید با تشکیل هسته‌های مقاومت، از تمام شئون مربوط به نظام سلطه خارج شوند. رهبران انقلاب اسلامی دولت آمریکا را مصداق عینی سلطه‌گری در عصر حاضر دانسته و بر حفظ ظرفیت‌های سلطه‌ستیز در سیاست‌های جمهوری اسلامی و عدم‌اعتماد و اتکا به سیاست‌ها و مواعید نظام سلطه تأکید نموده‌اند. بررسی مفهوم دال ارزش‌های

فرهنگی نشان داد از دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی فرهنگ، عنصر قوام‌بخش به موجودیت جامعه و زمینه ساز استقلال و پیشرفت است. از نظر ایشان وابستگی فرهنگی و عدم مقابله با تهاجم فرهنگی، گناه و جرمی بزرگ و تهدیدکننده انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران است و نتیجه‌ای جز مستهلک شدن موجودیت جامعه نخواهد داشت. بررسی مفهومی دال حمایت از مسلمانان (امت‌گرایی) نشان داد رهبران انقلاب اسلامی با رد اصالت اندیشه ملی‌گرایی در جوامع اسلامی ایجاد امت واحد اسلامی را به‌عنوان نمایه اصلی هویت مسلمانان، هدف اساسی و افق آرمانی جمهوری اسلامی می‌دانند و برای رسیدن به آن، حمایت از مسلمانان و رسیدگی به مشکلات مسلمانان را به‌عنوان راهبرد بین‌المللی نظام جمهوری اسلامی تعیین کرده‌اند.

براساس نتایج پیش‌گفته به‌عنوان یک نتیجه‌گیری استنباطی، می‌توان تأکید کرد که الزامات نظری و عملی ناشی از مفاهیم انسدادیافته دال‌های گفتمان انقلاب اسلامی، باید همواره ملاک عمل مسئولان و جریان‌های سیاسی وفادار به انقلاب قرار گیرد و به‌عنوان شاخص‌های معیار در اندازه‌گیری انقلابی بودن و انقلابی ماندن سیاست‌ها و رویکردهای سیاست‌مداران، سیاست‌ورزان و جریان‌های سیاسی داخل در جبهه انقلاب اسلامی، مورد استفاده واقع شود.

منابع و مأخذ

۱. آجرلو، اسماعیل، ۱۳۹۵، *آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی: بررسی مفهوم امت*، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان.
۲. آرون، ریمون، ۱۳۶۶، *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران، نشر انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۳. اسدی، علیرضا، ۱۳۹۶، «بررسی ماهیت جهانی شدن و رابطه آن با نظام سلطه در اندیشه امام خامنه‌ای»، *مطالعات راهبردی بسیج*، سال بیستم، ش ۷۶.
۴. اشرفی، اکبر، قدسی و علی‌زاده‌سیلاب، ۱۳۹۵، «ولایت‌مطلقه فقیه در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای»، *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، دوره ششم، ش ۲۱.
۵. آشنا، حسام‌الدین و محمدرضا روحانی، ۱۳۸۹، «هویت فرهنگی ایرانیان؛ از رویکردهای نظری تا مؤلفه‌های بنیادی»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، دوره سوم، ش ۴.
۶. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۶۹، *ولایت فقیه و جهاد اکبر*، تهران، الست.
۷. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۸، *صحیفه امام*، ج ۲۲-۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۸. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۹، *کتاب‌البیع*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۹. باباپور، محمدمهدی، ۱۳۷۸، *روند تاریخی نظریه ولایت فقیه از دیدگاه امام‌زاده‌ها*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. بشیر، حسن، ۱۳۸۵، *تحلیل گفتمان: دریچه‌ای برای کشف ناگفته‌ها*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
۱۱. پناهی، محمدحسین و سعیده امینی، ۱۳۹۲، «تحول گفتمان مجمع روحانیون مبارز»، *مطالعات اجتماعی ایران*، دوره هفتم، ش ۲.
۱۲. جعفری، سید اصغر، ۱۳۹۶، «راهبردهای امت اسلامی برای مقابله با نظام سلطه از دیدگاه امام خمینی»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، سال چهاردهم، ش ۵۰.
۱۳. جمال‌زاده، ناصر، ۱۳۹۱، «قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و نظریه صدور فرهنگی انقلاب»، *پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی*، دوره اول، ش ۴.
۱۴. جمشیدی، محمدحسین، ۱۳۹۴، *اندیشه سیاسی امام خمینی علیه‌السلام*، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱، *ولایت فقیه ولایت فقاقت و عدالت*، قم، اسرا.
۱۶. حسینی زاده، سید محمدعلی، ۱۳۸۳، «نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی»، *علوم سیاسی*، سال هفتم، ش ۲۸.
۱۷. خرمشاد، محمدباقر و جواد جمالی، ۱۳۹۷، «امر سیاسی، شکل‌گیری و هژمونیک شدن گفتمان انقلابی اسلام سیاسی در ایران»، *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، دوره هفتم، ش ۲۷.
۱۸. رجایی، سید محمدکاظم، ۱۳۹۲، «مفهوم و شاخص عدالت اقتصادی»، *معرفت اقتصاد اسلامی*، سال پنجم، ش ۹.
۱۹. ساعی، علی، ۱۳۹۱، *روش تحقیق در علوم اجتماعی با رهیافت عقلانیت انتقادی*، تهران، سمت.
۲۰. سلطانی، سید علی اصغر، ۱۳۸۳، «تحلیل گفتمان به‌مثابه نظریه و روش»، *فصلنامه علوم سیاسی*، ش ۲۸.
۲۱. سلطانی، سید علی اصغر، ۱۳۸۴، «قدرت، گفتمان و زبان، ساز و کارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران»، تهران، نشر نی.
۲۲. سیدیان، سید مهدی، ۱۳۸۵، «عدالت خواهی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب»، *معرفت*، ش ۱۰۹.
۲۳. عباسی، مجید، ۱۳۹۷، «نظام سلطه و تعارضات آن در روابط بین‌الملل در گفتمان مقام معظم رهبری»، *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، سال هفتم، ش ۵۵.
۲۴. کسرای، محمدسالار و علی پوزش شیرازی، ۱۳۸۸، «نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی»، *سیاست*، دوره سی‌ونهم، ش ۳.

انسداد مفهومی دال‌های بنیادین گفتمان انقلاب اسلامی در سپهر اندیشه امام خمینی علیه السلام و ... □ ۲۷

۲۵. مارش، دیوید و جری استوکر، ۱۳۹۳، *روش و نظریه در علوم سیاسی*، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۶. مقدمی، محمدتقی، ۱۳۹۰، «نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف و نقد آن»، *معرفت فرهنگی و اجتماعی*، سال دوم، ش ۲.
۲۷. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۳، *فلسطین از دیدگاه امام خمینی (تبیان آثار موضوعی)*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۸. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۰، *ولایت و حکومت: مباحثی در باب مفهوم ولایت*، حکومت الهی و حاکم اسلامی براساس بیانات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، تهران، صهبا.
۲۹. مولانا، حمید، ۱۳۸۷، «انقلاب اسلامی و احیای هویت امت اسلامی، ایدئولوژی، رهبری و فرآیند انقلاب اسلامی»، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی تبیین انقلاب اسلامی.
۳۰. میراحمدی، منصور، ۱۳۸۹، «گفتمان اسلامی و گفتمان جهانی»، مجموعه مقالات *اسلام و روابط بین‌الملل*، به اهتمام حسین پوراحمدی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۳۱. نوذری، حمزه، علی‌رضا کریمی، ۱۳۹۱، «بررسی معنا و مفهوم توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران از منظر تحلیل گفتمان»، *مطالعات جامعه‌شناختی*، ش ۴۰.
32. De Vos, Patrick. 2003, Discourse Theory and the Study of Ideological (Trans-)formations: *Analyzing Social Democratic Revisionism, Pragmatics*, 13 (1).
33. Jorgensen, M & Phillips, L. 2002, *Discourse Analysis as Theory and Method*, London, Sage Publications.
34. Laclau, Ernesto and Mouffe, Chantal, 1985, *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*. London, Verso.
35. Smith, Anna Marie, 1998, *Laclau, and Mouffe: The Radical Democratic Imaginary*, London, Routledge.
36. Zhrebkin, Maksym, 2009, In search of *Theoretical Approach to the Analysis of the Color Revolution: Transition Studies and Discourse Theory*, Communist and Post-Communist Studies, no 42.

